

نقش محور مقاومت در ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی با تأکید بر مکتب دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)*

- محمد جعفری^۱
- محمد دارابی^۲

چکیده

راهبرد دفاعی هر کشور، یکی از مهم‌ترین ضروریات صیانت از امنیت ملی آن کشور است که نقشی تأثیرگذار در تأمین منافع ملی آن کشور دارد و نقش محور مقاومت در ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران انکارناپذیر است. این مقاله، با روش پژوهش توصیفی - تحلیلی گردآوری شده و اطلاعات آن با بررسی اسناد کتابخانه‌ای، مقالات و وبگاه‌ها به دست آمده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که محور مقاومت عموماً شامل مجموعه‌ای از کشورها و گروه‌های شیعه است که در راستای مقابله با غرب و رژیم صهیونیستی شکل گرفته‌اند و ژئوپلیتیک آن شامل حماس، حزب‌الله لبنان، سوریه، عراق و ایران است. تأثیرات کلان انقلاب اسلامی ایران را می‌توان در قالب احیاء و اعتبار مجدد اسلام به مثابه

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲.

۱. دکتری تکنولوژی دانشگاه مالک اشتر و کارشناس ارشد امنیت ملی (نویسنده مسئول)
(mohammadjafari313@gmail.com).

۲. کارشناس ارشد مدیریت دفاعی (darabymhmd128@gmail.com).

مکتبی اجتماعی و سیاسی، الگو شدن اسلام سیاسی و تشیع به عنوان ارائه‌دهنده نظام حکومتی و مطرح شدن آن در سطح بین‌المللی، احیا و ظهور مجدد نهضت‌های اسلامی و انقلابی و طرح اندیشه اتحاد جهان اسلام برشمرد. ایران با استفاده از راهبرد عمق استراتژیک، تلاش می‌کند خط مقدم نبرد را به خارج از مرزهای جغرافیایی خویش بکشاند، تا امکان اقدام رقبا و دشمنان منطقه‌ای را در حمله مستقیم به ایران کاهش دهد. گسترش محور مقاومت، منافع و فرصت‌های زیادی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم نمود که از جمله آن‌ها، عمق‌بخشی بیشتر به حوزه جغرافیای نظامی و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و ارتقاء موازنه قدرت درونی و بیرونی است. در این راستا، مکتب دفاعی امام خامنه‌ای به عنوان نقشه راه، و محور مقاومت به عنوان بازویی توانمند، نقش مؤثری در بازدارندگی دفاعی و ارتقای امنیت ملی ایران ایفا می‌کند.

واژگان کلیدی: محور مقاومت، امنیت ملی، مکتب دفاعی امام خامنه‌ای.

۱. مقدمه

منطقه غرب آسیا از دیرباز به دلیل داشتن ظرفیت‌های فراوان در جنبه‌های مختلف خصوصاً اقتصادی مورد توجه کشورهای مختلف در سطح بین‌المللی بوده است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری تأثیرگذار با موقعیتی راهبردی در هارتلند زمین و در قلب غرب آسیا، همواره با خیل عظیمی از تهدیدات امنیتی فروملی، ملی و فراملی روبه‌رو بوده و خواهد بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، استراتژی جدید نظام سلطه و کشورهای عرب همسوی آن در منطقه جهت مقابله با این پدیده نوظهور، بر این قرار گرفت که یکسو و همداستان با استفاده از ابزارهای مختلف از جمله حمایت‌های ویژه و همه‌جانبه از رژیم بعث عراق در جریان جنگ تحمیلی و یا تحریم‌های ظالمانه مالی - نظامی غربی، از صدور انقلاب نوپای اسلامی و پررنگ شدن نقش آن در معادلات سیاسی و چرخه مسائل جهان اسلام به ویژه در منطقه استراتژیک غرب آسیا جلوگیری نمایند. در این میان، کم‌رنگ شدن سطح تنازعات و تنش‌ها میان نماد اصلی استکبار در منطقه یعنی رژیم منحوس و نامشروع اسرائیل با کشورهای خودباخته عربی و تقارن آن با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی باعث گردید تا قالب جدیدی در مجموعه

امنیتی غرب آسیا با عنوان محور مقاومت از سوی کشورهای همسایه و احزاب و گروه‌هایی که از نظر فکری و ایدئولوژیکی با ایران اسلامی و جریان انقلاب همسو و هم‌جهت بودند، به رهبری جمهوری اسلامی ایران شکل گیرد و تفکر و تلقی آزادی‌خواهی و ظلم‌ستیزی و مبارزه با استکبار بالفعل شده، در عمل به منصفه ظهور برسد. در این میان، رهبری معنوی و عملی امامین انقلاب بر پایه اندیشه‌های دفاعی اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باعث گردید تا بسیاری از معادلات از پیش طراحی شده ائتلاف غربی - عبری - عربی نقش بر آب شود و ضمن به خطر افتادن امنیت و موجودیت اسرائیل، موجب کم‌رنگ شدن اندیشه سیادت و آقای آمریکا بر دهکده جهانی گردد.

۲. ضرورت تحقیق

توجه ویژه به شرایط اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی منطقه و تغییراتی که در صف‌بندی‌ها و تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای رخ داده است، همچنین دشمنی دیرینه و تاریخی قوم یهود با اسلام ناب محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در رأس آن شیعه علوی از ابتدای ظهور اسلام، همه و همه باعث گردیده تا جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری تأثیرگذار و صاحب نفوذ در سطح منطقه و جهان با شناسایی فرصت‌ها و تهدیدات امنیتی از جنبه ملی، ضمن تلاش در جهت مقابله با تهدیدات پیش رو، در صدد احصاء این تهدیدات و ارتقاء سطح امنیت ملی با استفاده از ظرفیت‌های کوچک و بزرگ ایجادشده در بستر انقلاب و در مسیر خط سبز ولایت از جمله ظرفیت ناب و بی‌بدیل محور مقاومت برآید. در این راستا با ورود به گام دوم انقلاب و تبیین و تشریح خطوط و حدود انقلاب در همه ابعاد، آنچه بیش از پیش اولویت امروزه کشور را به خود اختصاص داده است، تأمین امنیت همه‌جانبه در سطح ملی و حفظ و صیانت و ارتقاء آن می‌باشد که این امر مستلزم بررسی کامل تهدیدات و فرصت‌های ملی و بین‌المللی و استفاده از همه ظرفیت‌های مقابله با تهدیدات به منظور عینیت بخشیدن به سیاست‌ها و راهبردهای کلان دفاعی کشور بر پایه اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای می‌باشد. اصلاح و تحکیم بنیان ساختار امنیت ملی و ارتقاء آن بر اساس نظریات مکتب

دفاعی امام خامنه‌ای و توجه به ظرفیت‌های ویژه محور مقاومت و نقش سازنده و تأثیرگذار آن در تحولات نظامی - امنیتی منطقه می‌تواند به عبور ایمن از گردنه‌های پرفراز و نشیب پیچ خطرناک تاریخی عصر حاضر با حداقل آسیب‌پذیری کمک نماید و فرصت‌های حداکثری را در جهت شکوفایی همه‌جانبه در عرصه‌های مختلف ملی و بین‌المللی تحت سایه امنیت گسترده به عنوان اصلی‌ترین دغدغه حکومت‌ها و تبدیل شدن به قوی‌ترین کشور منطقه فراهم سازد.

۳. مبانی نظری

۱-۳. مفهوم مقاومت

مقاومت اسلامی در برابر ظلم، تجاوز و اشغالگری، دین‌ستیزی، سلطه استکبار و متحدان آن‌ها شکل گرفته و هدفش حفظ حقوق، دفع ستم، رفع اشغال، حفظ استقلال، جلوگیری از سلطه و حفظ دارایی‌ها، مطابق آموزه‌ها و احکام دین می‌باشد. عدالت‌محوری، ظلم‌ستیزی، دفاع از مظلوم و نفی سلطه کفار، از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های آن است. مقاومت درونی، مبارزه با امیال نفسانی است و مقاومت بیرونی، مبارزه با تجاوز، تهاجم و اشغالگری (میرقادی و کیانی، ۱۳۹۱: ۷۱).

۲-۳. محور مقاومت

محور مقاومت یا جبهه مقاومت به مجموعه‌ای از کشورها و همچنین گروه‌های نظامی مسلمان و شیعه گفته می‌شود که هدف آن‌ها پایان دادن به تسلط غرب در منطقه غرب آسیا، مبارزه با اسرائیل و دفاع از آزادی فلسطین است (محمدی سیرت و ترابی اقدام، ۱۳۹۶: ۶۳). ترکیب «محور مقاومت» اولین بار پس از آن به کار برده شد که جرج بوش رئیس‌جمهور آمریکا در بهمن ۱۳۸۰ ش. (۲۹ ژانویه ۲۰۰۲ م.)، کشورهای ایران، عراق و کره شمالی را «محور شرارت» خواند. مجله لیبایی *النزحف الاخضر* در پاسخ به این موضع‌گیری، کشورهای مذکور را نه محور شرارت، بلکه محور مقاومت نامید که در برابر ایالات متحده آمریکا قرار گرفته‌اند (کریمی، ۱۳۹۶: ۳).

۳-۳. امنیت ملی

امنیت ملی یعنی توانایی کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی کشور. بنابراین کشورها ممکن است کلمات یا واژه‌های دیگری را مترادف با امنیت ملی استفاده کنند؛ مانند صیانت از کشور، بقای کشور، توازن قدرت، بازدارندگی، منافع ملی بی‌طرفی، امنیت دسته‌جمعی (مرادیان، ۱۳۸۹: ۵۷).

۳-۴. مکتب

مجموعه‌ای است که در ابتدا به تفسیر انسان و جهان می‌پردازد و سپس باید‌ها و نبایدهای انسانی را مشخص و معین می‌سازد؛ هم نیاز انسان را به جهان‌بینی مرتفع می‌کند و هم یک نظام ارزشی برای زیستن و چگونگی زیستن ارائه می‌دهد. در واقع، مکتب مجموعه جهان‌بینی و ایدئولوژی یک انسان می‌باشد. مهم‌ترین ویژگی‌های یک مکتب شامل طرح جامع و منسجم، اجزای نظام‌مند و هماهنگ، دارای ویژگی متمایزکننده، دارای جهان‌بینی خاص و دستورالعمل‌هایی برای تحقق، تعیین مسئولیت، الهام‌بخش، دارای حد و مرز و ضوابط مشخص، و جنبه‌های مختلف درون‌علمی و برون‌علمی را همزمان مورد توجه قرار دادن، است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ۲). استاد شهید مطهری مکتب را یک نظریه کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم می‌داند که هدف اصلی آن، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است که خطوط اصلی و روش‌ها، باید‌ها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها در آن مشخص است و خاستگاه الهام تکالیف و مسئولیت‌ها برای همه افراد است و نوع برداشت و طرز تفکری که یک مکتب درباره جهان و هستی عرضه می‌کند، زیرساز و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود، که اصطلاحاً جهان‌بینی نامیده می‌شود (مطهری، ۱۳۹۲: ۱۲).

۳-۵. مکتب دفاعی امام خامنه‌ای

مطالعه و بررسی مجموع مواضع سیاسی رهبر انقلاب اسلامی، حاکی از اعتقاد ایشان به فراهم نمودن شرایط صلح پایدار در جهان بشری است. در این خصوص، ایشان بر اجرای اصول و راهکارهایی تأکید می‌نماید که برگرفته از شاخصه‌های مشترک مورد تأکید دین اسلام و تمام ادیان آسمانی است.

۴. تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای برگرفته از «بیانیه گام دوم انقلاب»

در اندیشه سیاسی آیه‌الله خامنه‌ای، برقراری صلح و آرامش به عنوان یکی از مفاهیم عالی و مورد سفارش قرآن کریم، یکی از ضروریات زندگی اجتماعی است که در سایه آن، جوامع بشری می‌توانند به سعادت و کمال برسند (ملک‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۰). در دهه‌های میانی قرن بیستم، جهان به صورت یک دوقطبی شرق و غرب یا کمونیسم و لیبرالیسم درآمد بود و صف‌بندی کشورها با توجه به همین دوقطبی مشخص می‌شد. «پس آنگاه انقلاب ملت ایران، جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرده و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار»، پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷).^۱ جمهوری اسلامی محور تقابل با استکبار قرار گرفت و این موضوع باعث ایجاد فرصت‌ها و تهدیدهای جدید در سطح جهان برای آن شد. «از سویی نگاه امیدوارانه ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم بدان دوخته شد. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله انقلاب، فرعون‌های در بستر راحت آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه شدت آغاز شد» (همان).

مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران، عبارت است از: گسترش عدالت، نفی ظلم و ستم، حمایت از ستمدیدگان و مظلومان و نفی استکبار. در این زمینه، مسئله حمایت از مستضعفان در قبال مستکبران جهان، بسیار اساسی و مورد توجه رهبر انقلاب اسلامی بوده است؛ به طوری که ایشان چند ماه بعد از به ثمر رسیدن انقلاب، لزوم تأسیس حزب جهانی به نام «حزب مستضعفین» را مطرح فرمود. در اصل ۱۵۴ قانون اساسی نیز در خصوص حمایت از مستضعفان آمده است:

۱. بیانات و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری، در پایگاه اطلاع‌رسانی معظم‌له (Khamenei.ir) قابل مشاهده است.

«جمهوری اسلامی ایران... در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند» (قانون اساس جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۹).

با وجود آنکه ایران در منطقه حساسی واقع شده است که تمامی کشورهای اطرافش درگیر انواع ناامنی‌ها و جنگ‌های متعددند، به برکت انقلاب اسلامی، ایران یکی از امن‌ترین کشورها به شمار می‌رود. انقلاب اسلامی «ثبات و امنیت کشور و تمامیت ارضی و حفاظت از مرزها را که آماج تهدید جدی دشمنان قرار گرفته بود، ضمانت کرد و معجزه پیروزی در جنگ هشت‌ساله و شکست رژیم بعثی و پشتیبانان آمریکایی و اروپایی و شرقی‌اش را پدید آورد» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷). رهبر انقلاب اسلامی در تبیین و ترسیم آرمان و اهداف انقلاب در چهل سال دوم، از ایجاد تمدن اسلامی و آمادگی برای قیام مهدوی نام برده، می‌فرماید:

«دهه‌های آینده دهه‌های شماس و شماید که باید کارآزموده و پیرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هر چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا فداه) است، نزدیک کنید» (همان).

از جهت نظامی، در دنیای معاصر اینکه کشوری تنها محدود به مرزهای جغرافیایی خود در پی دفاع از امنیت ملی باشد، یک اشتباه راهبردی است. هر قدر حضور فراسرزمینی نیروهای نظامی کشوری بیشتر باشد، مسلماً امنیت ملی آن نیز بالاتر خواهد رفت. مقام معظم رهبری در این باره فرمود:

«این جوری نباشد که یک چهاردیواری را انتخاب کنیم و دیگر کارمان به این نباشد که پشت این دیوار چه کسی است، چه تهدیدی وجود دارد. این نگاه وسیع فرامرزی، این امتداد عمق راهبردی، گاهی اوقات از واجب‌ترین واجبات کشور هم لازم‌تر است که مورد توجه قرار بگیرد» (بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه، ۱۳۹۸/۰۷/۱۰).

بر اساس اندیشه فرماندهی کل قوا، «اصول» پایه‌های فکری نظام و اساس یک حکومت است. اسلام، استقلال، نظام دینی، رعایت قوانین اسلامی، جهت‌گیری عمومی ملت و کشور به سمت متدین شدن و جامعه را به سمت جامعه اسلامی کامل کشاندن،

از اصول است. عدالت، مردم‌سالاری، دفاع از حقوق ملت در همه زمینه‌ها، دفاع از حقوق مسلمانان عالم، دفاع از هر مظلومی در هر جای عالم، مبارزه با فساد، ظلم و زورگویی جزو اصول ماست. توحید، انصاف با مردم، ارج نهادن به حقوق مردم، رسیدگی به حال ضعفا، ایستادگی در مقابل جبهه‌های ضد اسلام و دین، پافشاری بر مبانی حق و اسلام و دفاع از حق و حقیقت، از اصول اسلامی است. این اصول را می‌توان در حوزه نظامی به دو بخش کلیات «جهاد، آمادگی و مقاومت در اهداف و مبانی» و اصول کاربردی مانند «ایمان و تقوا، اطاعت ولایی، بصیرت، دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی، اصل نظم و انضباط، آموزش و دانش نظامی، پایداری و مقاومت، تمرین و ممارست در کسب پایداری، فداکاری و شهادت، اصل عمل به تکلیف، اصل بسیج رزمی» تقسیم نمود (خراسانی و زکی‌پور، ۱۳۹۶: ۴۶).

در دکتربین آیه‌الله خامنه‌ای، اساس سیاست خارجی این است که ایده مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را به عنوان یک ستون مسئله در فضای سیاست بین‌المللی در سطح دولت‌ها و ملت‌ها استقرار دهیم و این فکر را در دنیا ترویج و منعکس نماییم. در سطح بلوک یا امت و کشورهای جهان اسلامی نیز که از آن‌ها به عنوان عمق اعتقادی و ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی یاد می‌کنند، ضدیت با نظام سلطه، عاملی وحدت‌بخش و چاره‌ای برای برون‌رفت از مشکلات و عقب‌ماندگی‌های موجود به حساب می‌آید. از طرف دیگر، این نفی با بازگشت ملت‌های مسلمان به هویت اصیل و اسلامی خود همراه خواهد بود (دهشیری، ۱۳۸۸: ۳۸). ضدیت با نظام سلطه در دکتربین سیاست خارجی آیه‌الله خامنه‌ای در سه سطح منطقه‌ای، بلوک یا امت اسلامی و بین‌المللی، قابلیت به کارگیری دارد و ممکن است به همین ترتیب نیز از اولویت برخوردار باشد.

در سطح منطقه‌ای و کشورهای همسایه ایران که به طور طبیعی حوزه نفوذ ژئوپلیتیک، امنیتی، اقتصادی، تمدنی و فرهنگی کشور به حساب می‌آیند، مبارزه و مقاومت در برابر نفوذ و سلطه بیگانگان اهمیت بیشتری می‌یابد؛ زیرا در این حوزه، ترتیبات مذکور دارای تأثیر و تأثر از یکدیگر بوده و وضعیت کشورهای همسایه به طور طبیعی از یک پیوستگی و گره‌خوردگی برخوردار است. حضرت آیه‌الله خامنه‌ای

به‌عنوان عالی‌ترین مقام در ساختار نظام جمهوری اسلامی و همچنین به‌عنوان زعیم امت اسلامی، از یک دکترین مشخص در سیاست خارجی بهره‌مند است که ضدیت با نظام سلطه در کانون این دکترین قرار می‌گیرد. از این رو، هر مؤلفه دیگری که بتواند به تقویت راهبرد ضدیت با نظام سلطه کمک کند، در چهارچوب این دکترین قابل تعریف است؛ دکترینی که به هم ریختن مناسبات و سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی در نظام بین‌المللی را هدف قرار داده و به دنبال استقلال سیاسی و افزایش اقتدار غیر تهدیدآمیز دیگر کشورها و تعامل با آنان بر پایه مصالح و منافع کشور با در نظر گرفتن اصول سه‌گانه عزت، حکمت و مصلحت است (همان: ۳۹).

۵. بررسی تهدیدات نظام سلطه از دیدگاه امام خامنه‌ای

تهدید از نظر لغوی به معنای ترساندن، و در اصطلاح به هر گونه نیت، قصد و اقدامی که ثبات و امنیت یک کشور را به خطر اندازد، گفته می‌شود. همچنین به مجموعه‌ای از عوامل مؤثر و مداخله‌گر خارج از نظام که مانع اجرای برنامه‌ها و تحقق اهداف آن می‌گردد نیز گفته می‌شود. لذا تهدیدها، برآیند وضعیت نامساعد و نامطلوبی است که بر خلاف اهداف، ارزش‌ها، اصول و منافع نظام عمل نموده و خارج از کنترل آن است و احتمال ایجاد آشفتگی و اختلال در روند فعالیت‌های نظام از سوی این عوامل وجود دارد. با شناخت بهتر این عوامل کلیدی نیز امکان شناسایی رهیافت‌های مناسب برای مقابله با تهدیدها و یا پرهیز از موقعیت‌های تهدیدآمیز برای کشور به وجود می‌آید (شعبانی سارویی، ۱۳۸۹: ۲۱). نظام سلطه عبارت است از مجموعه‌ای از بازیگران نظام بین‌الملل که تلاش دارند قواعد بازی نظام ناعادلانه و ظالمانه را حفظ کنند. آن‌ها از ابزارهای گوناگون نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی برای تأثیر بر دیگران استفاده می‌کنند (شفیعی‌فر و رحمتی، ۱۳۸۹: ۱۲). هدف نظام سلطه این است که از طریق ایدئولوژی حاکم و ترجیح منافع، بر مداخله در امور دیگر کشورها حقانیت داده شود و در نظام سلطه، مسائل جهانی با توجه به منافع ملی قدرت‌های بزرگ طبقه‌بندی می‌شود (علی‌بابایی، ۱۳۸۸: ۳۰). از دیدگاه رهبر، «نظام سلطه یعنی نظامی که بر پایه رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر بنا شده [است]» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰). (از لحاظ

سیاسی، سلطه‌گری یعنی سرنوشت یک ملت را در دست گرفتن» (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۷/۱۰/۰۱) و «نظام سلطه، نظامی است که مثل بختک سنگینی [اش] روی پیکر جامعه بشری می‌افتد» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸). ایشان همچنین می‌فرماید:

«طرفین [نظام سلطه] را مقصر می‌دانیم؛ نه فقط سلطه‌گر را، بلکه حتی سلطه‌پذیر را؛ هر دو مقصرند. استکبار یعنی این» (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان سراسر کشور به مناسبت روز ملی مبارزه با آمریکا، ۱۳۶۸/۰۸/۱۰).

«خوب، در مقابل این زورگویی و گردن‌کلفتی و حرف‌نشنوی و حق‌ناشناسی چه جور باید برخورد کرد؟ دو جور برخورد وجود دارد: یک برخورد، تسلیم است و یک برخورد، مقاومت است. تسلیم در مقابل زورگویان جهان، زورگو را به زورگویی تشویق می‌کند. تسلیم ملت‌ها، تسلیم سیاسیون عالم، تسلیم روشنفکران جوامع مختلف در مقابل زورگویی‌های استکبار جهانی، مشوق آن‌ها در پیشرفت است... [به همین جهت] برای ملت‌ها یک راه حقیقی بیشتر باقی نمی‌ماند و آن مقاومت است» (بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴).

«محیط پیرامون کشورها پیوسته با تهدید و جنگ عجین است و دولت‌ها برای مقابله با آن، ناگزیر از داشتن برنامه منسجم دفاعی هستند. کارایی دفاع ملی، بلکه مفهوم «اقتدار دفاعی»، مستلزم و نیازمند تنسيق صحیح امور دفاع ملی در پرتو شناخت تهدید، تولید و تجميع قدرت بازدارنده، کنش فعال و واکنش سازنده و قاطع در برابر تهدید است» (دهقان، ۱۳۹۳: ۶). در مسیر مقاومت، چنانچه دولت‌های اسلامی، دولت‌های جهان سوم و ملت‌ها قدر قدرت خودشان را بدانند، مهم‌ترین ابزار نظام سلطه که همان اخم کردن و تشر است، ناکارآمد خواهد شد (بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی، ۱۳۸۴/۱۱/۱۸). اگر در سال‌های اول انقلاب اسلامی به دنبال کانون‌های اصلی دشمنی با انقلاب می‌گشتیم، در کنار بلوک غرب، به نام شوروی یا بلوک شرق برمی‌خوردیم؛ دشمنانی که برای جلوگیری از پیشرفت جمهوری اسلامی، دست به دست یکدیگر داده بودند. اما به خواست خداوند، امروز نام اتحاد جماهیر شوروی تنها در تاریخ مانده و دیگر وجود خارجی ندارد. همچنین رژیم بعثی عراق که عامل اجرای فرامین آن‌ها برای نابود کردن انقلاب اسلامی بود نیز نابود گشته است. همه این‌ها در حالی است که جمهوری اسلامی

به حیات بالنده خویش، همراه با حفظ ارزش‌های خود ادامه می‌دهد. «اکنون با گذشت چهل جشن سالانه انقلاب و چهل دهه فجر، یکی از آن دو کانون دشمنی ناپود شده و دیگری با مشکلاتی که خبر از نزدیکی احتضار می‌دهند، دست و پنجه نرم می‌کند! و انقلاب اسلامی با حفظ و پابندی به شعارهای خود همچنان به پیش می‌رود» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

۶. بررسی ابعاد مختلف محور مقاومت

۱-۶. نگاه به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران

ژئوپلیتیک هر کشور از جمله عوامل مهم در نحوه حضور آن در فضای بین‌المللی و ارتباط با دیگر کشورها به شمار می‌آید. در صورتی که حاکمیت مستقر در کشور، دغدغه‌خاطری نسبت به موقعیت جغرافیایی و موقعیت آن نسبت با عرصه سیاست‌گذاری نداشته باشد، یا این دغدغه‌خاطر ناچیز بوده و با اعمال سیاست‌های بخردانه قابل مدیریت باشد، امکان بذل توجه به دیگر مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی برایش فراهم خواهد بود و زمینه را برای پیشرفت و توسعه جامعه مهیا خواهد ساخت. سرزمین و موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، تأثیراتی بر اندیشه حکومت ایران داشته که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به فرارگیری ایران در متن استراتژی و درگیری قدرت‌های جهانی اشاره نمود. کشور ایران یک موقعیت مرکزی نسبت به کشورهای مجاور خود دارد؛ چنان که می‌تواند به عنوان کشوری با اهمیت ژئوپلیتیکی بالا در تمام حوزه‌های ژئوپلیتیکی اطراف خودش حضور داشته باشد و عملاً در پیدایش شکل‌های منطقه‌ای و فعال شدن حوزه‌های ژئوپلیتیکی و کارکردهای آن، نقش مؤثری داشته باشد و فرایند سیاسی این حوزه‌ها را تشکیل داده و بر حوزه‌های حساس و مورد توجه اندیشه حکومت تأثیر گذارد (پورقیومی، ۱۳۸۸: ۲۷).

سال ۱۹۷۶ با سقوط رژیم شاه و قطع رابطه رژیم جدید با ایالات متحده آمریکا، مشخصات ژئوپلیتیکی ایران به شدت و به صورتی بسیار مهم متحول شد. مطمئناً آشکال پستی و بلندی‌ها و شرایط اقلیمی ایران تغییر نکردند و جایگاه ایران بین دریای

خزر و خلیج فارس جابه‌جا نشد و روشن است که منابع نفتی کماکان مهم باقی مانده و شرایط اقتصادی، جمعیتی و مذهبی ساکنان این سرزمین نیز تقریباً ثابت مانده است. اما با پیروزی انقلاب اسلامی، مختصات ژئوپلیتیکی ایران به طور کامل تغییر یافت. ایران که از سی سال قبل از آن، چه از جنبه اقتصادی و چه از جنبه نظامی، علیه اتحاد شوروی با ایالات متحده آمریکا ارتباط تنگاتنگ داشت، تبدیل به دشمن قاطع آمریکا در خاورمیانه شد. این یک تغییر ژئوپلیتیکی رادیکال بود که حاصل تأثیرات و عواقب انکارناپذیر اقتصادی و ژئواستراتژیکی ایران می‌باشد (لاکوست و ژیلین، ۱۳۷۸: ۴۹).

در سطح روابط منطقه‌ای و همسایگان، اندیشه حکومت دو تأثیر عمده مکانی و فضایی را داشت: بر روابط ایران با کشورهای لائیک منطقه نظیر ترکیه و عراق (دوران صدام) و اسلام محافظه‌کار سعودی‌ها و شیخ‌نشین‌ها تأثیراتی را وارد نمود؛ برای مثال، تشکیل شورای همکاری خلیج فارس از نتایج آن می‌باشد. ایران را به همکاری با کشورهای اسلامی رادیکال نظیر لیبی و سوریه سوق داد. در نظام بین‌الملل نیز اندیشه حکومت تأثیرات خود را داشت. ایران بر خلاف رژیم گذشته، از دوست و همکار آمریکا به دشمن آن تبدیل گردید و تلاش نمود تا سیاست خود را بر اساس شعار «نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی» شکل دهد. با این اقدام، جمهوری اسلامی از طرف آمریکا به عنوان بی‌ثبات‌کننده منطقه و تهدیدی علیه آن‌ها به حساب آمد و تصویر جدیدی از ژئوپلیتیک ایران ارائه شد. البته این جهت‌گیری‌ها به طمع بلندپروازی‌های سرزمینی نبود و استراتژی جمهوری اسلامی در این زمان، بیش از کسب منافع سرزمینی، بر اساس جایگاه و منافع مکتبی استوار بود (صفوی، ۱۳۸۰: ۷). در طول سالیان گذشته، موضوع غرب و آمریکا مهم‌ترین بحث نظری اندیشه حکومت جمهوری اسلامی ایران گردیده است. هرچند برخی کارشناسان معتقدند که تحولات جهانی و بالاخص ژئوپلیتیک و جهان‌مداری ایران از دلایلی است که سبب می‌شود جمهوری اسلامی ایران نتواند در قهر فلسفی و سیاسی با غرب باقی بماند (سریع‌القلم، ۱۳۷۹: ۱۹). اما به نظر می‌رسد که با ظهور برخی پدیده‌ها مانند داعش در منطقه غرب آسیا و حضور ایران در منطقه، شرایط به نحو دیگری دستخوش تغییر گردید.

۲-۶. ژئوپلیتیک و شکل‌گیری محور مقاومت

۱-۲-۶. شکل‌گیری محور مقاومت

مقاومت ژئوپلیتیک جهان اسلام مربوط به جنبش‌های کنونی است که از سال ۲۰۱۰ م. در محدوده‌ای از خلیج فارس تا شمال آفریقا در کشورهایی همچون تونس، مصر، لیبی، یمن و... رخ داده است. عوامل مختلفی در وقوع مقاومت در این دوره دخیل است که با تأکید بر سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی، به طور مختصر در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود:

اول، وجود حکومت‌های وابسته به غرب و آمریکا: یکی از مسائلی که باعث نارضایتی مردم از حکومت‌های موجود در سرزمین‌های عربی شده و هویت و عزت اسلامی آن‌ها را خدشه‌دار نموده است، وابستگی حکومت‌های آن‌ها به غرب و خصوصاً ایالات متحده می‌باشد؛ رابطه‌ای که همراه با در نظر گرفتن منافع رژیم صهیونیستی بوده است.

دوم، بی‌توجهی به مسئله فلسطین و رابطه با رژیم صهیونیستی: فلسطین، بخش مهمی از عزت و هویت مسلمین را تشکیل می‌دهد؛ لذا بی‌توجهی به این مسئله از سوی رهبران عربی نیز یکی دیگر از عوامل اصلی وقوع نارضایتی و نهایتاً قیام علیه حکومت‌های این مناطق بوده است.

سوم، وجود حکومت‌های سکولار: یکی دیگر از دلایل قیام‌های اخیر، وجود حکومت‌های سکولار در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا است. در واقع، پیام اصلی این قیام‌ها همان طور که مقام معظم رهبری فرموده است، چیزی جز «برافراشتن پرچم اسلام که عقیده عمیق و دلبستگی دیرین مردم است»، نبوده است (مسعودنیا و خانی، ۱۳۹۱: ۲۵).

۲-۲-۶. ژئوپلیتیک محور مقاومت

گرد هم آوردن منابع، قدرت و توان و نیز ائتلاف، اتحاد یا هماهنگ‌سازی مواضع کشورها، گروه‌ها یا جوامع اسلامی در برابر نظام سلطه و قدرت‌های اصلی آن به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سطح منطقه و با محوریت مسئله فلسطین و مقاومت در برابر تجاوزات و اشغالگری و توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی و مبارزه با حکومت‌های

فاسد و ظالم در کشورهای اسلامی که به نوعی کارگزاران نظام سلطه به شمار می‌آیند (صفوی، ۱۴۰۰: ۸).

حماس (حرکت المقاومة الاسلامیه)

حماس، جنبش مقاومت مردمی ملی است که تلاش می‌کند زمینه را برای آزادسازی و رهایی ملت فلسطین از ظلم و جور اسرائیل فراهم آورد. این جنبش در سال ۱۹۸۷ م. دو ماه پس از انتفاضه به وسیله شیخ احمد یاسین در غزه پایه‌گذاری شد (صادقی‌زاده، ۱۳۸۶). هویت اشغال‌گرایانه اسرائیل و عدم پابندی آن به مرزهای تعیین‌شده در سال ۱۹۴۸ م. موجب شد که فلسطینیان و از جمله جنبش مقاومت اسلامی حماس، همواره نگاهی خصمانه به اسرائیل داشته باشند و موجودیت آن را به مخاطره اندازند (کریمی، ۱۳۹۶). حماس رویکردی جهادی دارد. عقاید حماس بر اساس دین اسلام استوار شده و مبانی اسلامی را اصلی ثابت برای هر گونه مبارزه علیه اسرائیل می‌داند. این جنبش، آزادسازی تمامی سرزمین فلسطین، ادامه انتفاضه، رهایی قدس شریف از اشغال، خنثی‌سازی قدرت اسرائیل و برجیدن شهرک‌های یهودی‌نشین را از اهداف مبارزه و جهاد خویش اعلام کرده است (پورقیومی، ۱۳۸۸: ۲۸).

حزب‌الله لبنان

حزب‌الله لبنان، سازمانی سیاسی - نظامی است که در اوایل سال‌های ۱۹۸۰ م. با الهام از ایدئولوژی اسلام سیاسی امام خمینی در لبنان به وجود آمد (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۳). حزب‌الله لبنان به عنوان یکی از اعضای قدرتمند محور مقاومت، همواره رابطه نزدیک و تنگاتنگی با سایر اعضا به ویژه جمهوری اسلامی ایران داشته است. رهبران حزب‌الله مهم‌ترین دلایل ایجاد رابطه مستحکم بین خود و ایران را چنین بیان می‌کنند:

- ۱- اعتقاد به نظریه ولایت فقیه و رهبری امام خمینی و سپس آیه‌الله خامنه‌ای؛
- ۲- انتخاب جمهوری اسلامی به عنوان شیوه حکومت در ایران که با اصول اسلامی مورد اعتقاد حزب‌الله هماهنگ است؛
- ۳- مخالفت ایران با سلطه استکبار و حمایت از مقاومت علیه اشغالگری اسرائیل و اشتراک عقیده و منافع ناشی از این امر (قاسم، ۱۳۸۳: ۵۱).

جنگ ۲۲ روزه غزه که در دی ماه ۱۳۸۷ ش. رخ داد، یکی از نمونه‌های تهدید امنیت ملی اسرائیل توسط نیروهای مقاومت اسلامی است. علاوه بر آن، سازمان سیاسی - نظامی حزب الله لبنان که یک گروه شیعه است، در خردادماه ۱۳۷۹ موفق شد به تسلط نظامی ۱۸ ساله اسرائیل بر مناطقی از جنوب لبنان پایان دهد. تقابل میان حزب الله لبنان و اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه نیز ادامه پیدا کرد که از اواخر تیرماه ۱۳۸۵ تا اواخر مردادماه همان سال در جریان بود (کریمی، ۱۳۹۶: ۳).

سوریه و عراق

سوریه به دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی، یکی از مهم‌ترین کشورهای غرب آسیا محسوب می‌شود که توانسته است در چند دهه اخیر، نقش مهمی در روند تحولات منطقه‌ای ایفا کند. لذا این کشور، جایگاه ویژه‌ای را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، که اولویت اصلی را در روابط خارجی به همکاری با کشورهای اسلامی و غیر متعهدها می‌دهد، به خود اختصاص داده است. دو رویکرد عمده در سیاست منطقه‌ای سوریه در رابطه با محور مقاومت از زمان حافظ اسد تا کنون نمایان است که عبارت است از: روابط استراتژیک با جمهوری اسلامی ایران و حمایت از مقاومت در برابر اسرائیل (موسوی، ۱۳۹۰: ۱۵). روابط خصمانه بین سوریه و اسرائیل از جنگ ۶ روزه در دی ماه ۱۳۴۵ ش. آغاز شد که طی آن، اسرائیل بخش بزرگی از سوریه موسوم به بلندی‌های جولان را اشغال کرد. روابط سوریه و اسرائیل پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به ویژه با ریاست جمهوری بشار اسد در سوریه، خصمانه‌تر شد و به شکل‌گیری اتحادی نزدیک‌تر میان ایران، سوریه، نیروهای جهادی فلسطین و همچنین حزب الله لبنان انجامید (کریمی، ۱۳۹۶: ۳). همکاری گسترده سوریه با سایر اعضای محور مقاومت در جنگ ۳۳ و ۲۲ روزه با اسرائیل، کمک‌های ایران به حزب الله از راه سوریه و همچنین کمک‌های ایران و حزب الله به دمشق برای حفظ دولت بشار اسد در قدرت پس از بروز بحران داخلی در این کشور، عمق روابط استراتژیک محور مقاومت و سوریه در برابر نظام سلطه به سرکردگی آمریکا را نشان می‌دهد (ساجدی، ۱۳۹۲: ۱۵۷).
تصرف بخش‌های قابل توجهی از کشورهای سوریه و عراق توسط گروه اسلام‌گرای

سلفی داعش موجب شد که محور مقاومت بار دیگر به اتحادی برای مبارزه با تهدیدات نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورهای مرتبط تبدیل شود. از همین رو، دولت جمهوری اسلامی ایران با حضور نظامی و مستشاری در عراق و سوریه، تلاش خود را برای جلوگیری از پیشروی داعش آغاز کرد. حفاظت از اماکن مقدس در عراق و سوریه از جمله حرم حضرت زینب علیها السلام، از دیگر اهداف حضور ایران دانسته شده است. به علاوه، رایزنی با کشورهای روسیه و چین در حمایت از حکومت سوریه و عراق در مقابل داعش، بخش دیگری از تلاش‌های محور مقاومت بوده است (بصیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۱).

کشورهای ایران و سوریه و همچنین گروه نظامی حزب‌الله لبنان، به عنوان ارکان محور مقاومت شناخته می‌شوند و جمهوری اسلامی ایران، رهبر آن دانسته می‌شود. اوج همکاری محور مقاومت، پس از ریاست جمهوری بشار اسد در سال ۲۰۰۰ م. و سپس حمله اسرائیل به جنوب لبنان در سال ۲۰۰۶ و حمله به غزه در سال ۲۰۰۸ صورت گرفت و در کنار عدم واکنش جدی کشورهای غرب آسیا به حملات اسرائیل به لبنان و غزه، به محبوبیت محور مقاومت در میان مسلمانان انجامید (جعفری‌فرو و احرامی، ۱۳۹۷: ۷۸).

۷. سطوح تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در محور مقاومت

به طور کلی، برخی تأثیرات کلان انقلاب اسلامی ایران در سایر کشورهای اسلامی را می‌توان چنین برشمرد: اول، احیا و اعتبار مجدد اسلام به مثابه مکتبی اجتماعی و سیاسی؛ دوم، الگو شدن اسلام سیاسی و تشیع به عنوان ارائه‌دهنده نظام حکومتی و مطرح شدن آن در سطح بین‌المللی؛ سوم، احیا و ظهور مجدد نهضت‌های اسلامی و انقلابی؛ چهارم، طرح اندیشه اتحاد جهان اسلام (امت‌گرایی) که نوعی بازبینی در رابطه جهان اسلام و غرب است (حشمت‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۲۸).

نظام سیاسی ایران از ظرفیت تأثیرگذاری منحصر به فردی بر محیط پیرامون برخوردار است که در اینجا به سه محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی اشاره می‌شود:

محیط داخلی: از جمله تأثیرات در سطح محیط داخلی، عبارت است از: برقراری وحدت و اعتماد ملی؛ توسعه دانایی محور که نواندیشی دینی را تشویق نموده؛ جنبش نرم‌افزاری با ویژگی‌های جرئت علمی، نفی تقلیدپذیری، رعایت ارزش‌های دینی.

محیط منطقه‌ای: این تأثیرات در سطح منطقه‌ای یعنی منطقه شیعه‌نشین و اسلامی عبارت است از: بازسازی تمدن اسلامی و ارتقای خودباوری فرهنگی به ملت‌های مسلمان؛ ارتقای بیداری اسلامی و تأکید بر وحدت جهان اسلام که این امر موجب ایستادگی آنان در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی شد؛ احیای هویت جهان اسلام با شاخص‌هایی همچون حمایت از مستضعفان، حق‌گرایی، نفی‌گرایی‌های غرب؛ محوریت ایران در ثبات منطقه‌ای و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم، با اعلام روز جهانی قدس از سوی امام خمینی.

محیط بین‌المللی: این تأثیرات در سطح بین‌المللی عبارت است از: به چالش کشیدن سلطه فرهنگی غرب از طریق تفکرات رهایی‌بخش و استکبارستیز؛ اعطای خودباوری به ملت‌ها و معرفی اسلام به عنوان یک شیوه زندگی؛ گشایش جبهه ثالث در نظام بین‌الملل از طریق حمایت از حرکت‌های استقلال‌طلبانه و تشویق ملت‌ها به معنویت؛ پرچمداری انقلاب فرهنگی جهانی با شاخص‌هایی همچون تأکید بر معنویت، وحدت اسلام، فرهنگ استقلالی، بومی و... (دهشیری، ۱۳۸۸: ۶۳). جمهوری اسلامی ایران نمونه‌ای از دولت اسلامی به شمار می‌رود و بر اساس احترام متقابل، با تمام کشورهای جهان رابطه دارد. به همین دلیل، به دنبال سلطه یافتن بر دیگر دولت‌ها نیست و سلطه‌گری و زورگویی را از هیچ قدرتی نمی‌پذیرد (داستانی بیرکی، ۱۳۸۱: ۸). در واقع، انقلاب اسلامی ایران حمایت از تمام مستضعفان و مسلمانان و رهایی آنان از دست استکبار را سرلوحه کار خود قرار داده و در صدد است آن چیزی را که در ایران واقع شد، یعنی رهایی از سیطره قدرت‌های استکباری را به دیگر کشورها صادر نماید. هدف انقلاب اسلامی ایران، گسترش گفتمان خود در سایر ملت‌های مسلمان و کشورهای منطقه است که علاوه بر امنیت پایدار ملی، به ثبات و امنیت منطقه‌ای نیز کمک می‌کند (دهشیری، ۱۳۸۸: ۶۴).

۸. نقش محور مقاومت در ارتقاء امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

مبارزه با نظام سلطه به ویژه مخالفت با سیاست‌های آمریکا، بخش قابل توجهی از سیاست‌های محور مقاومت را تشکیل می‌دهد. گروه‌های عضو جبهه مقاومت ضمن رد نظام سلطه غربی و مقاومت در برابر اهداف زیاده‌خواهانه آن، از هیچ تلاشی برای براندازی

این نظام دریغ نمی‌کنند (شفیعی و مرادی، ۱۳۸۸: ۴۱). محور مقاومت ضمن عدم تعهد به قدرت‌های بزرگ و در رأس آن‌ها آمریکا، از کانال‌های مختلف از جمله سازمان‌های منطقه‌ای - بین‌المللی برای افزایش اقدامات ظالمانه نظام سلطه و به چالش کشیدن این نظام استفاده می‌کند. بنابراین الگوی سیاست خارجی مقاومت در برابر نظام سلطه بر اساس جهت‌گیری تقابلی است و همچنین بر مبنای تعامل با کشورهای است که نشانه‌های فرهنگی، ادراکی، ایدئولوژیک و راهبردی به نسبت مشابهی با این محور دارند (Taylor, 1991). انقلاب اسلامی ایران با شعار «نه شرقی و نه غربی» و با تشکیل محور مقاومت، به دنبال ایجاد گفتمانی جدید در برابر گفتمان مسلط موجود است. گذر زمان و توانایی‌های جمهوری اسلامی ایران - به عنوان رهبر محور مقاومت - در مفصل‌بندی نشانه‌های این گفتمان جدید باعث شد گفتمان مقاومت که برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی بود، کم‌کم پایگاه خود را در منطقه و نظام بین‌الملل پیدا کند. ظلم‌ستیزی، بیداری اسلامی، سرنگونی دیکتاتورهای وابسته، تأکید بر اسلام سیاسی و عدالت‌طلبی، دلایل بارزی هستند مبتنی بر تبدیل گفتمان مقاومت به عنوان گفتمانی مشروع در عرصه روابط بین‌الملل و به چالش کشیدن گفتمان لیبرال که به دنبال نظام وستفالی، بر روابط بین‌الملل حاکم شده بود (رضاخواه، ۱۳۹۲: ۳۳).

توانمندی جنبش‌های متحد ایران در محور مقاومت، از عراق و یمن گرفته تا لبنان و فلسطین اشغالی، موجب افزایش عمق استراتژیک دفاعی - امنیتی و ارتقای توازن قدرت بیرونی جمهوری اسلامی ایران گردیده است. در سال‌های اخیر، چند مؤلفه اهمیت پرداختن به مسئله رابطه عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران با محور مقاومت را دوچندان ساخته‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: امنیتی کردن موضوع هسته‌ای ایران توسط آمریکا، رژیم صهیونیستی و غرب و تهدیدات مکرر این رژیم در ضربه زدن به تأسیسات هسته‌ای ایران؛ بحران سوریه و بحران داعش در عراق و افزایش حضور و نفوذ منطقه‌ای ایران؛ تشدید رقابت راهبردی ایران و عربستان در منطقه؛ توافق هسته‌ای ایران با غرب و تلاش برای محدودسازی نفوذ، حضور و عمق راهبردی ایران در منطقه توسط آمریکا و متحدان غربی و منطقه‌ای آن و در نهایت ترور شهید قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس توسط آمریکا در عراق در دی‌ماه ۱۳۹۸. از این روست که تحلیل راهبرد ایران

در گسترش عمق استراتژیک خویش و تأثیرات آن از اهمیت زیادی برخوردار است (باقری و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۵).

ایران با استفاده از راهبرد عمق استراتژیک تلاش می‌کند خط مقدم نبرد را به خارج از مرزهای جغرافیایی‌اش بکشانند تا امکان اقدام رقبای دشمنان منطقه‌ای را در حمله مستقیم به ایران کاهش دهد. در این بین، ایران با بهره‌گیری از توان بازیگران و متحدان نیابتی خود، به وارد آوردن ضربه به نقاط ضعف و آسیب‌پذیر دشمنانش اقدام می‌نماید. در این مسیر، هدف ایران ایجاد خطوط دفاعی امنیتی دور از مرزهای این کشور با کمک متحدان دولتی و غیر دولتی خویش است (Barzegar & Divsallar, 2017). در این راستا، جمهوری اسلامی ایران برای کاهش میزان تنهایی استراتژیک و رهایی از آن، از دو راهبرد ایجاد موازنه درونی، یعنی تقویت مؤلفه‌های درونی قدرت به ویژه بُعد نظامی آن و بالاخص توان موشکی، و در سطح فراملی نیز از رویکرد موازنه بیرونی با تعمیق عمق استراتژیک خویش بهره برده است که شکل‌گیری و گسترش محور مقاومت در دوران بعد از انقلاب اسلامی، نمود عینی آن است (باقری و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۶). موفقیت راهبرد منطقه‌ای ایران در حفظ، تقویت و گسترش متحدان دولتی و غیر دولتی خویش، ضمن افزایش نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، به همجواری آن با حوزه کنش و منافع قدرت‌های بزرگ متعارض، رژیم صهیونیستی و سایر بازیگران منطقه‌ای تهدیدکننده (مانند عربستان سعودی) انجامیده و قابلیت ژئوپلیتیکی عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران را در محیط منطقه‌ای افزایش داده است (مصلى‌نژاد، ۱۳۹۹: ۳۳).

گسترش محور مقاومت، منافع و فرصت‌های زیادی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم نمود که از جمله آن‌ها، عمق‌بخشی بیشتر به حوزه جغرافیای نظامی و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و ارتقاء موازنه قدرت درونی و بیرونی این کشور است. بررسی راهبرد ایران در خصوص محور مقاومت، نشان‌دهنده آن است که ایران در کنار راهبرد انباشت و تقویت توازن درونی قدرت، به توازن بیرونی اتحاد با سایر بازیگران نیز اقدام نموده است. افزایش قدرت نظامی، نفوذ منطقه‌ای و عمق استراتژیک نظامی - امنیتی و نیز سیاسی - ایدئولوژیک ایران ناشی از محور مقاومت، امکان مقابله و پاسخ به تهدیدات و اقدامات دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را فراهم نموده است. بنابراین بدون تردید

می‌توان گفت که در صورت فقدان پیوندهای ایران و متحدان دولتی و غیر دولتی‌اش در غرب آسیا، نه تنها متحدان منطقه‌ای ایران، بلکه این کشور نیز آسیب‌پذیری بسیاری در مقابل دشمنان و حتی رقبای منطقه‌ای خواهد داشت که محور مقاومت مانع این امر شده است. ایران به خوبی توانسته است تهدیدات را به فرصت افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای و عمق استراتژیک خویش در سطح غرب آسیا تبدیل نماید و ضمن مقابله با انواع تهدیدات آمریکا، رژیم صهیونیستی و متحدان منطقه‌ای آن‌ها، آسیب‌پذیری‌های امنیتی خود را کاهش دهد (باقری و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۷).

نتیجه‌گیری

منطقه غرب آسیا از دیرباز به دلیل داشتن ظرفیت‌های فراوان در جنبه‌های مختلف خصوصاً اقتصادی، مورد توجه کشورهای مختلف در سطح بین‌المللی بوده است. جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری تأثیرگذار با موقعیتی راهبردی در قلب غرب آسیا، همواره با خیل عظیمی از تهدیدات امنیتی فروملی، ملی و فراملی روبه‌رو بوده و خواهد بود. توجه ویژه به شرایط اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و اجتماعی منطقه و تغییراتی که در صف‌بندی‌ها و تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای رخ داده است، باعث گردیده که جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری تأثیرگذار و صاحب نفوذ در سطح منطقه و جهان با شناسایی فرصت‌ها و تهدیدات امنیتی از جنبه ملی باشد. در این راستا با ورود به گام دوم انقلاب و تبیین و تشریح خطوط و حدود انقلاب در همه ابعاد، آنچه بیش از پیش اولویت امروزه کشور را به خود اختصاص داده است، تأمین امنیت همه‌جانبه در سطح ملی و حفظ و صیانت و ارتقاء آن می‌باشد. نظام سیاسی ایران از ظرفیت تأثیرگذاری منحصر به فردی بر محیط پیرامون در سه حوزه محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار است.

ایران حمایت از تمام مستضعفان و مسلمانان و رهایی آنان از دست استکبار را سرلوحه کار خود قرار داده است. گسترش محور مقاومت، منافع و فرصت‌های زیادی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم نمود که از جمله آن‌ها، عمق‌بخشی بیشتر به حوزه جغرافیای نظامی و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و ارتقاء موازنه قدرت

درونی و بیرونی این کشور است. ایران به خوبی توانسته است تهدیدات را به فرصت، افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای و عمق استراتژیک خویش در سطح غرب آسیا تبدیل نماید و ضمن مقابله با انواع تهدیدات آمریکا، رژیم صهیونیستی و متحدان منطقه‌ای آن‌ها، آسیب‌پذیری‌های امنیتی خود را کاهش دهد. ایران با استفاده از راهبرد عمق استراتژیک تلاش می‌کند خط مقدم نبرد را به خارج از مرزهای جغرافیایی‌اش بکشد تا امکان اقدام رقبا و دشمنان منطقه‌ای را در حمله مستقیم به ایران کاهش دهد. گسترش محور مقاومت، منافع و فرصت‌های زیادی را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم نمود که از جمله آن‌ها، عمق‌بخشی بیشتر به حوزه جغرافیای نظامی و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و ارتقاء موازنه قدرت درونی و بیرونی است. در این راستا، مکتب دفاعی امام خامنه‌ای به عنوان نقشه راه، و محور مقاومت به عنوان بازویی توانمند، نقش مؤثری در بازدارندگی دفاعی و ارتقای امنیت ملی ایران ایفا می‌کند.

پیشنهادات

- ۱- بهره‌گیری از ظرفیت‌های آشکار و پنهان «بیانیه گام دوم انقلاب» با تمرکز بر نقش محور مقاومت در بازدارندگی دفاعی؛
- ۲- بهره‌گیری از دانشگاه‌ها و سایر مراکز تحقیقاتی جهت رصد تاکتیک‌های نوین تهدیدات؛
- ۳- تبیین و تحلیل جایگاه ژئوپلیتیک محور مقاومت در ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛
- ۴- نگاه ترکیبی به ماهیت تهدیدات با توجه به کارکردهای ژئوپلیتیک محور مقاومت و بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی جهت تقویت محور مقاومت؛
- ۵- تشکیل کمیته‌های تخصصی و ارائه مشاوره از سوی نهادهای تخصصی و نظامی در خصوص نقش محور مقاومت و بازدارندگی دفاعی آن برای کشور؛
- ۶- ایجاد فرهنگ جهاد تبیین در اقصای مختلف و تأثیرگذار با محوریت نقش محور مقاومت در ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی و بهره‌گیری از مکتب دفاعی امام خامنه‌ای.

کتاب‌شناسی

۱. اسداللهی، مسعود، جنبش حزب‌الله لبنان؛ گذشته و حال، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲ ش.
۲. باقری، محسن، علی‌امیدی، و عنایت‌الله یزدانی، «تأثیر محور مقاومت بر عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال دهم، شماره ۲ (پیاپی ۳۸)، تابستان ۱۴۰۰ ش.
۳. بصیری، محمدعلی، سیدعلی مجیدی‌نژاد، و سیدقائم موسوی، «واکاوی تهدیدات امنیتی داعش بر محور مقاومت و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۴۸، بهار ۱۳۹۶ ش.
۴. پورقیومی، ایوب، «درس‌ها و پیامدهای مقاومت مردمی در جنگ ۲۲ روزه غزه»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال دوازدهم، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۸۸ ش.
۵. جعفری‌فر، احسان، و سجاد احرامی، «تأثیرات منطقه‌ای دخالت حزب‌الله و اسرائیل در بحران سوریه»، فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی، سال اول، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۷ ش.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۰ ش.
۷. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، «بیانه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران»، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲ ش.، قابل دسترس در وبگاه معظم‌له به نشانی <<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>>.
۸. حشمت‌زاده، محمدباقر، «مقدمه و چارچوبی برای بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در کشورهای اسلامی»، فصلنامه نامه پژوهش (مطالعات فرهنگ ارتباطات جدید)، شماره‌های ۱۲-۱۳، بهار و تابستان ۱۳۷۸ ش.
۹. خراسانی، مصطفی، و مهدی زکی‌پور، «بررسی اندیشه‌های دفاعی مقام معظم رهبری در خصوص نیروهای مسلح»، مقاله در دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، رشت، ۱۳۹۶ ش.
۱۰. داستانی بیرکی، علی، سیاست خارجی و روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱ ش.
۱۱. دهشیری، محمدرضا، بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸ ش.
۱۲. دهقان، حسین، «تهدیدات نوظهور و الزامات دفاع هوشمند از منظر فرماندهی معظم کل قوا»، مجموعه مقالات دومین همایش تبیین اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۳ ش.
۱۳. رضاخواه، علیرضا، «بیداری اسلامی و آینده محور مقاومت»، ماهنامه زمانه، شماره‌های ۳۱-۳۲، شهریور و مهر ۱۳۹۲ ش.
۱۴. ساجدی، امیر، «بحران سوریه و دخالت قدرت‌های بیگانه»، پژوهشنامه روابط بین‌الملل (مطالعات روابط بین‌الملل جدید)، سال ششم، شماره ۲۴، زمستان ۱۳۹۲ ش.
۱۵. سریع‌القلم، محمود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۹ ش.
۱۶. شعبانی سارویی، رمضان، تهدیدات و فرصت‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سازمان بسیج فرهنگیان، ۱۳۸۹ ش.
۱۷. شفیع، نوذر، و احمد مرادی، «تأثیر جنگ ۳۳ روزه لبنان بر موقعیت منطقه‌ای ایران»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دانشگاه آزاد واحد شهرضا، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸ ش.

۱۸. شفیعی فر، محمدرضا، و رضا رحمتی، «سیاست تعاملی ضد نظام سلطه»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۸۹ ش.
۱۹. صادقی زاده، کسری، «جنبش مقاومت اسلامی (حماس)؛ گذشته، حال و آینده»، رآورد سیاسی، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۶ ش.
۲۰. صفوی، سیدیحیی، مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران، تهران، دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، ۱۳۸۰ ش.
۲۱. علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸ ش.
۲۲. قاسم، نعیم، حزب الله لبنان؛ خط مشی، گذشته و آینده آن، ترجمه محمد مهدی شریعتمدار، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۳ ش.
۲۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۵۹ ش.
۲۴. کریمی، ابوالفضل، «نقش ج.ا. ایران در هویت بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت»، ماهنامه پژوهش ملل، سال دوم، شماره ۲۰، مرداد ۱۳۹۶ ش.
۲۵. لاکوست، ایو، و بتریس ژیلین، عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپولیتیک، ترجمه علی فراستی، تهران، آمن، ۱۳۷۸ ش.
۲۶. محمدی سیرت، حسین، و محمود ترابی اقدم، «الگوی نمایش نقش امنیت آفرین شهیدان محور مقاومت در رسانه ملی»، دو فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس (مطالعات دولت پژوهی در جمهوری اسلامی ایران جدید)، دوره جدید، سال سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶ ش.
۲۷. مرادیان، محسن، مبانی نظری امنیت، تهران، دانشکده علوم و فنون فارابی، ۱۳۸۹ ش.
۲۸. مسعودنیا، حسین، و اعظم خانی (ولدانی)، بیداری اسلامی در غرب آسیا و شمال آفریقا از منظر رهبر معظم انقلاب، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۹۱ ش.
۲۹. مصلی نژاد، عباس، «سیاست گذاری امنیت منطقه‌ای ایران در محیط آشوب زده»، فصلنامه سیاست جهانی، سال نهم، شماره ۳ (پیاپی ۳۳)، پاییز ۱۳۹۹ ش.
۳۰. مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، تهران، صدرا، ۱۳۹۲ ش.
۳۱. ملک زاده، محمد، «تقویت فرهنگ مقاومت و اقتدار نظامی؛ راهبرد دفاعی آیه الله خامنه‌ای در نظام اسلامی»، مقاله در همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم انسانی، مدیریت و کارآفرینی ایران، ۱۴۰۰ ش.
۳۲. میرقادری، سیدفضل الله، و حسین کیانی، «بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن»، فصلنامه ادبیات دینی (مطالعات ادبی متون اسلامی جدید)، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۱ ش.
33. Barzegar, Kayhan, & Abdolrasool Divsallar, A (2017). "Political Rationality in Iranian Foreign Policy", *The Washington Quarterly*, Vol. 40(1), 2017.
34. Taylor, Charles, *Multiculturalism and The Politics of Recognition*, Princeton, Princeton University Press, 1991.